



Ethnic Conflicts: Developing a Comprehensive Cultural Index

Azad Namaki¹ | Mohammad Fazeli² | Yaghoub Ahmadi³

1. Department of Social Sciences, [Faculty of Letters and Human Sciences](#), Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: a_namaki@sbu.ac.ir

2. PhD in Sociology, Researcher of Iranian Social Issues .Tehran, Iran. E-mail: mfazeli114@gmail.com

3. Corresponding Author, Department of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: yahmady@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 13 November 2023

Received in revised form: 26
December 2023

Accepted: 15 January 2024

Published online: 13 April
2024

Keywords:

Conflict Culture, Cultural

Index of Conflict, Ethnic.

ABSTRACT

In the prevailing currents of sociology and political science, the primary emphasis has traditionally leaned towards the examination of institutions, elite actors, and foreign interventions as explanatory factors for ethnic and religious conflicts. However, cultural sociology and the sociology of culture have introduced an alternative perspective, providing an additional lens through which to understand this phenomenon. These branches of study underscore the significance of cultural factors and value systems, shedding light on their pivotal role in the genesis of such conflicts. However, investigating the causal relationship between the cultural and value systems of societies and their respective developments with ethnic-religious conflicts requires a precise standard to measure it.

Value and attitude Data underwent both theoretical and statistical refinement. Furthermore, a comprehensive ten-year longitudinal study systematically examined the empirical relationship between the cultural index and ethno-religious conflicts. The initial phase of this longitudinal investigation involved 81 countries, followed by an expanded sample of 93 countries in the second round. Finally, through the aggregation of the entire dataset, the relationship between the cultural index and ethno-religious conflicts was thoroughly measured.

The findings indicate the cohesion of the conflict index comprised of four foundational cultural factors—embeddedness, intolerance, masculinity, and the sense of being chosen. Results reveal that this conflict index has demonstrated the capacity to elucidate a substantial portion of activism rooted in ethnicity and religion, whether directed against the other or manifested in conflicts between the government and ethnic/religious groups. The regression analysis indicates that approximately 40 percent of the variations in country-level conflicts can be predicted by the cultural factors inherent in the conflict index.

Cite this article: Namaki, A.; Fazeli, M., & Ahmadi, Y. (2024). Ethnic Conflicts: Developing a Comprehensive Cultural Index. *Social Studies and Research in Iran*, 13(1): 17-35. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468>

**تضادهای قومی: تدوین یک شاخص جامع فرهنگی**آزاد نمکی^۱ | محمد فاضلی^۲ | یعقوب احمدی^۳۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران. رایانامه: a_namaki@sbu.ac.ir۲. دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر مسائل اجتماعی ایران، تهران، ایران. رایانامه: mfazeli114@gmail.com۳. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: yahmady@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	درحالی‌که جریان غالب جامعه‌شناسی و نیز علوم سیاسی بیشتر بر نهادها، کنشگران نخبه و دخالت‌های خارجی برای تبیین تضادهای قومی/مذهبی متمرکز بوده است، جامعه‌شناسی فرهنگی و جامعه‌شناسی فرهنگ، دریچه‌ای دیگر به این پدیده گشوده و نقش عوامل فرهنگی و نظام ارزشی را در بروز و ظهور آن برجسته می‌کند. اما بررسی چرایی این پدیده از منظر فرهنگی مستلزم وجود معیاری دقیق برای سنجش آن است که بتواند ارتباط نظام فرهنگی و ارزشی جوامع و تحولات مربوط به آن را با بروز تضادهای قومی-مذهبی بسنجد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۲۲	در این پژوهش، داده‌های ارزشی و نگرشی مورد پالایش نظری و آماری قرار گرفت. علاوه بر آن، در یک بررسی نظام‌مند طولی ده‌ساله، ارتباط تجربی این شاخص فرهنگی با تضادهای قومی/مذهبی روی داده در سراسر جهان سنجیده شد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۵	در دور اول این مطالعه طولی ۸۱ کشور-جامعه و در دور دوم ۹۳ کشور و درنهایت، با تجمیع تمام نمونه‌ها، ارتباط نظام فرهنگی/ارزشی و تضاد بررسی شد. یافته‌ها از انسجام «شاخص تضاد» مرکب از چهار عامل بنیادی دربرگیرندگی گروهی، عدم تساهل، مردانگی و احساس برگزیدگی حکایت می‌کنند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵	نتایج نشان می‌دهد شاخص تضاد توانسته است بخش قابل توجهی از کنشگری‌های مبتنی بر قوم و مذهب بر علیه دیگری یا بین دولت و گروه‌های قومی/مذهبی را تبیین کند. آزمون رگرسیون حاکی از آن است که حدود ۴۰ درصد از تغییرات تضاد سطح کشوری با فرهنگ تضاد قابل پیش‌بینی است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱/۲۵	
کلیدواژه‌ها:	
تبعض، تضاد قومی، تضاد مذهبی، شاخص فرهنگی تضاد، فرهنگ تضاد.	

استناد: نمکی، آزاد؛ فاضلی، محمد و احمدی، یعقوب (۱۴۰۳). تضادهای قومی: تدوین یک شاخص جامع فرهنگی. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۳(۱): ۱۷-<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468> ۳۵DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.369594.1468>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

جهان دربردارندهٔ بیش از پانصد اقلیت قومی است که در سرتاسر کرهٔ خاکی، درون و بین مرزهای قومی پراکنده‌اند. بیش از دوسوم کشورها دربردارندهٔ بیش از یک اقلیت قومی و مذهبی هستند که حداقل ده درصد جمعیت آن‌ها را دربرمی‌گیرد و تعداد کشورهای به‌لحاظ قومی و مذهبی کاملاً همگون در جهان بسیار کمتر از کشورهای ناهمگون است (سازمان ملل، ۲۰۰۴). بخش اعظم جنگ‌ها، تضادها و نفرت‌ها نیز حول همین مرزهای قومی و مذهبی شکل می‌گیرند. این نزاع‌های قومی و مذهبی از جمله مشکلات و مصائب سیاسی و اجتماعی بوده‌اند که سازوکارهای حقوقی و سیاسی موجود از حل کامل آن ناتوان بوده‌اند. در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶، از مجموع بیش از صد تخاصم نظامی در جهان، فقط شش رویداد بین‌کشوری بوده و بقیه جنگ‌های داخلی بوده‌اند یا آنکه حداقل یک طرف خود را با «قومیت» تعریف می‌کرد (گرینر و وار، ۲۰۰۷: ۴۶) و برآورد می‌شود از ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۰ بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر جان خود را در درگیری‌های داخلی با منشأ غالباً قومی و مذهبی از دست داده باشند (دیویس و همکاران، ۲۰۲۳).

این نزاع‌های قومی و مذهبی، همیشه از موضوعات باز حوزهٔ علوم انسانی است و روزبه‌روز بر دامنهٔ تحقیقات مرتبط با آن افزوده می‌شود. در فراتحلیلی از مطالعات کمی صورت‌گرفته و در بازهٔ زمانی یک دهه، مشخص شده است که محققان بیش از دویست متغیر مستقل را در قالب رویکردهای نظری گوناگون به بوتۀ آزمایش گذاشته‌اند (دیکسون، ۲۰۰۹). این رویکردها شامل شش گروه متغیرهای جمعیتی، عوامل جغرافیایی و محیطی، جدال بر سر منابع، عوامل اقتصادی نظیر نابرابری، تاریخچهٔ تضاد گروه‌ها، عوامل بین‌المللی، رقابت دولت‌ها و نوع و تغییرات رژیم‌ها از جمله اثرات دموکراسی و اندازهٔ دولت بوده است. به‌نظر می‌رسد پویایی مسائل قومی و آزمودن نظریات با رویکرد متفاوت، با نتایج رضایت‌بخشی همراه نبوده است (براون، ۲۰۰۱؛ دیکسون، ۲۰۰۹).

این نظریات غالباً متأثر از پارادایم انتخاب عقلانی هستند که برمبنای آن، محاسبهٔ سود و زیان تعیین‌کنندهٔ اولویت‌ها و ترجیحات کنشی افراد و گروه‌ها است (نش، ۱۳۸۲: ۱۴۳). اصلی‌ترین پیش‌فرض پارادایم انتخاب عقلانی آن است که افراد در همهٔ موقعیت‌ها در درجهٔ نخست نفع خود از موضوع را تشخیص می‌دهند و آنگاه براساس آن دست به عقلانی‌ترین کنش ممکن برای کسب آن می‌زنند و این سازوکاری عام و جهان‌شمول پنداشته می‌شود. از این دیدگاه هر آنچه فرد انجام می‌دهد، ضرورتاً به نفع او است و این امر بدون لحاظ «شرایط و بستر اجتماعی و فرهنگی» صورت می‌گیرد که اساساً محاسبهٔ نفع فردی در آن انجام می‌شود؛ شرایطی که قاعدتاً تعیین می‌کند کدام چیزها بالارزش هستند (نش، ۱۳۸۲: ۱۵۴). این تحلیل‌های منافع‌محور نمی‌توانند توضیح دهند که چرا پیش‌شرط‌های فرضیه‌ای^۱ مانند نابرابری گروهی، تضادهای بسیار وخیمی در بعضی مناطق ایجاد می‌کند و در بعضی دیگر خیر. به عبارتی، ما را در درک تناقضات مرتبط با این پیش‌شرط‌ها یاری نمی‌کنند (راس، ۲۰۰۷: ۱-۳).

رویکرد فرهنگی امکانی برای پوشش جنبه‌هایی از تعامل و رفتار انسانی مرتبط با معانی رفتار و نیز عناصر انگیزشی اجتماعی علاوه بر محاسبه، منافع شخصی، انجمن‌ها و عقلانیت وسیله-هدف فراهم می‌آورد (لین و ارسون، ۲۰۱۶: ۳۴-۳۵). از دیدگاه رویکرد فرهنگی، نمودهای فرهنگی فقط پدیده‌هایی سطحی نیستند. آن‌ها بازتاب‌دهنده‌های جهان‌بینی‌های گروه و تضادهای در جریان هستند که هم در فهم عمیق‌ترین ترس‌ها و امیدهای گروه مؤثر عمل می‌کنند و هم راهی برای درک افراد و گروه‌ها از یکدیگر هستند. این «نمودهای فرهنگی، هنگامی که کنش‌های مشخصی را امکان‌پذیر می‌کنند و از این‌رو [وقوع] آن‌ها را محتمل‌تر می‌کنند و

نیز هنگامی که درک‌های جمعی از محرک‌ها، منافع و رفتارهای درون‌گروه و رقبا را هدایت می‌کنند، [به معنی آن است] که دارای نقشی علی در تضادها هستند» (راس، ۲۰۰۷: ۳).

نظریات و دیدگاه‌های فرهنگی بر مکانیسم‌های روان‌شناختی و کردارهای معناشناختی (ماهونی، ۲۰۰۴) تأکید دارد که افراد را به سمت کنش‌هایی خاص هدایت می‌کند. این سازوکارهای روان‌شناختی از منابع مختلف سرچشمه می‌گیرند یا تقویت می‌شوند و در نهایت، تأثیرات خود را بر پدیده‌های اجتماعی اعمال می‌کنند. به عبارت دیگر، از دیدگاه این نظریات، نهادها، ساختارها و نخبگان عاملان نهایی تغییرات اجتماعی نیستند و این شهروندان یا توده‌ها هستند که از طریق فرهنگ نقش عاملی ایفا می‌کنند. افراد با این حامل‌های روان‌شناختی نهادها و ساختارها را ایجاد می‌کنند و تغییر می‌دهند و نیز سبب بروز پدیده‌های اجتماعی می‌شوند (الکساندر، ۲۰۰۶؛ راک و همکاران، ۲۰۲۰الف، ۲۰۲۰ب؛ شریاک، ۲۰۱۲؛ ولزل و اینگلهارت، ۲۰۱۹؛ ویاردا، ۲۰۱۶).

اما بررسی چرایی تضاد در جوامع به لحاظ قومی و مذهبی ناهمگون از دیدگاه فرهنگی مستلزم وجود معیاری دقیق برای سنجش آن است. به عبارتی، بررسی نظام‌مند سامان فرهنگی جوامع و تحولات حوزه تضاد آن‌ها مستلزم شاخصی عام است که بتواند ارتباط این تحولات فرهنگی و ارزشی جوامع را با تضادهای قومی-مذهبی بسنجد؛ امری که از مشکلات پیش‌روی سنجش تضاد از زاویه فرهنگ است. اینکه دقیقاً چه آیتم‌های فرهنگی با فراز و فرود جدال‌های بین‌گروهی مبتنی بر قوم و مذهب در جوامع مرتبط است؛ بنابراین در صورتی که عوامل فرهنگی در بروز این دست تضادها مؤثر باشند، نیاز به تدوین شاخصی دقیق وجود دارد که هم از مبانی نظری مستحکم برخوردار باشد و هم رابطه آن با پدیده اجتماعی به لحاظ تجربی برقرار باشد.

از آنجا که چنین شاخصی به عوامل درونی جوامع و محرک‌های آن‌ها می‌پردازد می‌تواند در پیش‌بینی میزان احتمال بروز تضاد و اینکه کدام دسته از جوامع بیشتر در معرض تضادهای قومی/مذهبی است کمک کند و به بیان نارول ما را یاری دهد که درک کنیم اکنون در کجا ایستاده‌ایم (نارول، ۱۹۸۳: ۲۰). همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، نظریه‌پردازانی به نقش عوامل خاص فرهنگی مؤثر در بروز تضادها و سازوکارهای تأثیر آن‌ها پرداخته‌اند، اما جای شاخص دقیقی که در حوزه تجربی ارتباط آن با تضاد قومی/مذهبی مشخص شده باشد، خالی است. این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است.

۲. تأملات تجربی و نظری

۲-۱. پیشینه تحقیق

مارک هوارد راس (۱۹۸۶) با داده‌های گردآوری شده توسط انسان‌شناسان از نود جامعه ماقبل صنعتی و کدگذاری مجدد آن‌ها، فرضیه‌های ساختاری و روانی-فرهنگی علل تضادهای داخلی و خارجی را بررسی می‌کند. یافته‌های وی حاکی از آن است که ویژگی‌های ساختاری فقط اهداف تعارض و این را که تضاد به سمت داخل یا خارج یا هر دو هدایت شود تعیین می‌کند؛ درحالی‌که جهت‌گیری‌های خاص فرهنگی-روان‌شناختی جامعه تعیین‌کننده میزان تضادهای کلی جامعه هستند و سطح و میزان آن تحت تأثیر این متغیرها است. شاخص فرهنگی راس که وی آن را الگوهای جامعه‌پذیری خشن می‌نامد، متشکل از سه متغیر الگوهای اجتماعی خشن، لطافت و محبت کم نسبت به کودکان و مردانگی جامعه بود.

محققان وابسته به سازمان یونسکو اولین اقدام را برای تعیین شاخص‌هایی برای «فرهنگ صلح» در دهه ۱۹۹۰ برداشتند که مورد حمایت مجمع عمومی نیز قرار گرفت. از منظر طراحان، «از آنجا که جنگ‌ها در ذهن انسان‌ها شروع می‌شود، در ذهن انسان‌ها نیز باید

دفاع از صلح ساخته شود» (سازمان ملل، ۱۹۹۹). در برنامه سازمان ملل، فرهنگ صلح به عنوان «مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های رفتار و زندگی» است و بر احترام به زندگی، آزادی بیان، عقیده و جریان آزاد اطلاعات، عدالت، دموکراسی، مدارا، همبستگی، همکاری، تکثر، تنوع فرهنگی، عدم مداخله، مسائل زیست‌محیطی، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، برابری جنسیتی، حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها تأکید شده است. این طرح فاقد انسجام تئوریک است و مطالعات پژوهشی محدودی با این شاخص‌ها انجام گرفته است (دی‌ریورا، ۲۰۰۴).

در جدیدترین تلاش، محققانی از دانشگاه زوریخ (وری و ساس، ۲۰۲۲) در یک مطالعه طولی در بازه ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۹ در ۱۱۴ کشور غیر اقتدارگرا به بررسی این امر پرداختند که نهادهای دموکراتیک چگونه «خشونت‌های سیاسی داخلی» را محدود می‌کنند. آن‌ها به آزمون متغیرهایی از نظریات مختلف شامل انگیزه‌های گروه‌ها یا ناراضیاتی (نابرابری و محرومیت)، فرصت‌های سیاسی (ساختار سیاسی) و اثر خود دموکراسی بر میزان خشونت‌ها پرداختند و اثر «فرهنگ سیاسی مشورتی»^۱ را نیز به عنوان متغیر میانجی به موارد بررسی افزودند. نتایج حاکی از آن بود که فرصت‌های نهادینه‌شده برای مشارکت دموکراتیک به‌طور قابل توجهی خشونت سیاسی را کاهش می‌دهد، اما تنها زمانی که در یک فرهنگ سیاسی مشورتی گنجانده شود. به عبارت دیگر، از میان مسیرهای علی منجر به خشونت، مسیر فرهنگی دارای اثر معنی‌دار و تبیین‌کننده (۰/۸۲۲) بود و در حضور این عامل، گروه‌ها کمتر از فرصت‌ها برای اقدام خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند.

۲-۲. چارچوب نظری

در اینجا برای نیل به توضیح چارچوبی مستدل از دیدگاه فرهنگی به تضاد قومی، بر نظریاتی تأکید شده است که هم چرایی و چگونگی تأثیر فرهنگ بر بروز تضاد و نیز سازوکارهای مربوط را نشان دهند و هم به موارد مشخصی از فرهنگ که دست‌اندرکار برانگیختن جدال‌های قومی هستند، اشاره کنند.

در اوایل دهه ۱۹۹۰ و با توسعه پارادایم فرهنگ‌گرا یا آنچه چرخش فرهنگی در جامعه‌شناسی نامیده می‌شود، یوهان گالتونگ (۱۹۹۰) در جست‌وجوی ریشه‌های تضاد تغییرات بنیادی در نظریه خشونت ساختاری (گالتونگ، ۱۹۶۹) خود ایجاد می‌کند و نه تنها اقدام به افزایش بعد فرهنگی به علل تضاد می‌کند، بلکه وجهه‌ای علی نیز برای آن قائل می‌شود. از نگاه وی، فرهنگ می‌تواند دست‌اندرکار توجیه و مشروعیت‌بخشی به انواع خشونت باشد. گالتونگ سؤال ساده و البته بنیادینی مطرح می‌کند: «چرا مردم [یکدیگر را] می‌کشند؟» در پاسخ، آن را به خشونت فرهنگی مرتبط می‌کند: «تا حدی به این دلیل که آن‌ها این‌گونه پرورش یافته‌اند». نه آنکه مشخصاً برای کشتن تربیت شده باشند، بلکه برایشان کشتن تحت بعضی شرایط مشروع است. این شرایط مستقیماً به فرهنگ یعنی بزرگ‌ترین مشروعیت‌دهنده خشونت و البته صلح متصل می‌شود (گالتونگ، ۱۹۹۶: ۶). به‌زعم گالتونگ، خشونت فرهنگی سبب می‌شود اعمال خشونت مستقیم و ساختاری صحیح یا حداقل غیراشتباه به‌نظر برسد یا حتی احساس نشود؛ برای مثال، کشته‌شدن برای خود اشتباه و برای میهن صحیح است (گالتونگ و فیشر، ۲۰۱۳: ۳۹).

از نظر گالتونگ، انتقال از خشونت فرهنگی به فرهنگ خشونت‌آمیز توسط لایه‌های عمیق‌تری که کیهان‌شناسی^۲ اطلاق می‌شوند و می‌توانند در خدمت توجیه خشونت قرار گیرند، انجام می‌شود. کیهان‌شناسی ناظر به «کدهای فرهنگی است که عناصر فرهنگی را تولید می‌کنند و خود از طریق آن‌ها بازتولید می‌شوند» (۱۹۹۰). درواقع کیهان‌شناسی یک تمدن، کد اجتماعی-فرهنگی

1. deliberative political culture

2. cosmology

آن تمدن است که پیام‌های اساسی درباره نحوه بر ساخت واقعیت را به همراه دارد (۱۹۹۶: ۲۱۲). کیهان‌شناسی یا فرهنگ عمیق هم ادراک چرخه‌های دوام تضاد و هم رفتار واقعی افراد در تضاد را نیز مقید می‌کند (۱۹۹۶: ۲۱۱). این نگرش‌های عمیق جمعی بین اعضای یک گروه خاص مشترک است و ناشی از برداشتهای مشترک احساسی افراد است و رفتارهای آن‌ها را جهت می‌دهند (گالتونگ، ۲۰۰۴: ۱۴۶-۱۴۸).

از نظر وی فرهنگ‌ها ممکن است دارای ابعادی از خشونت باشند که در قالب سندرم بروز می‌یابند که همان تجمیع نیمه‌آگاه جمعی افراد است (گالتونگ، ۲۰۰۴: ۱۵۱-۱۵۲). یکی از این سندرم‌ها اعتقاد شدید به برگزیده‌بودن، با گذشته و آینده‌ای باشکوه است. در سطح کلان و دولتی، این آسیب به‌عنوان میهن‌پرستی و عشق به سرزمین پدری ستایش می‌شود. سندروم دیگر مسبب خشونت «دوانگاری، مانایسم، آخرالزمانی»^۱ است که از درون مضامین مذهبی استخراج می‌شود، اما تالی‌های سکولار نیز دارد. بعضی از ادیان متمایل به تقسیم شهروندان به برگزیدگان و غیربرگزیدگان هستند که معمولاً به طبقات و اقشار خاصی از افراد مرتبط شده و پیامدهای اجتماعی مشخصی معطوف به خشونت برای جامعه به بار می‌آورند. «برگزیدگی» حق‌هایی برای دسته‌ای از افراد ایجاد می‌کند که براساس آن، انواع خشونت علیه دیگران توجیه و مشروع می‌شود (گالتونگ، ۲۰۰۴: ۱۵۴-۱۵۵).

مردسالاری دیگر سندرم خشونت‌آمیز است. گالتونگ رابطه میان جنسیت و خشونت و به‌طور خاص بین جنس مرد و پرخاشگری را به‌مثابه نظام نگرشی و نهادینه‌شده تهاجمی در نظر می‌گیرد که سبب بازتولید خشونت در همه سطوح اجتماعی می‌شود (گالتونگ، ۱۹۹۶: ۴۰-۴۶). تأکید بر آیت‌ها و مضامین فرهنگی نظیر احساس برگزیدگی دینی و ملی، تروما و عظمت‌طلبی، مردسالاری، کوپلینگ و انصاف و برابری به‌جای متغیرهای سخت از قبیل ساختارهای دولتی، سیاسی، نظام بین‌الملل و دخالت خارجی نظریه خشونت فرهنگی گالتونگ را از رویه‌های جاری آکادمیک به مسئله صلح و خشونت بین‌گروهی متفاوت کرده است. نظام فرهنگی که از بالا در حال تولید خشونت (فرهنگی) برای توجیه وضع موجود، نفرت‌پراکنی علیه دیگری، طبقه‌بندی افراد و گروه‌ها و درنهایت بازتولید شرایط خشونت است و عامل این نوع خشونت نیز در لایه‌های عمیق فرهنگی جوامع نهفته است و مانند انواع خشونت مستقیم و ساختاری عاملانی مشخص نظیر دولت، حزب و گروهی خاص ندارد.

در برابر دیدگاه گالتونگ که خودمختاری زیادی برای فرهنگ قائل است، نظریه‌پردازان فرهنگ سیاسی به تعامل فرهنگ و ساختارهای دیگر متمایل‌اند. نظریه تکاملی رهایی‌بخش^۲ (ولزل، ۲۰۱۳) جدیدترین نظریه‌پردازی در حوزه ارزش‌های فرهنگی جوامع و تغییر و تحولات نهادین وابسته به این تغییرات ارزشی و نگرشی است. نظریه رهایی‌بخش ریشه در نظریات فرهنگ سیاسی با رویکردی قدیمی فرهنگ مدنی آلموند و وربا دارد و در مطالعات نظریه‌پردازان پیشین مدرنیزاسیون (دیاموند، ۱۹۹۲؛ اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵؛ لیپست، ۱۹۹۴) تا حدودی بدان پرداخته شده است. ولزل و همکاران با اتکا به شواهد تجربی از سراسر جهان از این ایده اساسی دفاع می‌کنند که در زمینه تغییرات اساسی جوامع، فرهنگ بر نهادها تقدم علی دارند و در شکل‌دادن به ارزش‌های فرهنگی نیز نیروهای دیگر از نهادهای رژیم‌ها قدرتمندترند (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵؛ ولزل، ۲۰۰۹؛ ۲۰۱۰؛ ۲۰۲۰).

از دیدگاه توانمندسازی انسان، عرفی‌شدن، پاک‌سازی همه منابع اقتدارهای مقدس بر مردم است. این روند شامل اقتدار مذهبی، اقتدار پدرسالارانه، اقتدار دولتی و اقتدار هنجارهای همنوایی می‌شود (ولزل، ۲۰۱۳: ۹۴). رهایی‌فرایندی است که طی آن، افراد اقتدار بر زندگی خود را درونی می‌کنند. برای امکان درونی‌شدن اقتدار، افراد باید از منابع اقتدار خارج از خود فاصله بگیرند. در مرحله بعد،

1. DMA: Dualism, Manicheism, Armageddon

2. Evolutionary Emancipation Theory (EET)

ارزش‌های رهایی‌بخش ظهور می‌کنند که شامل ترکیبی از دو جهت‌گیری است: اول آزادی‌بخش یعنی تأکید بر آزادی انتخاب و دوم کیفیت برابری‌طلبانه این جهت‌گیری آزادی‌بخش به معنای آزادی برابر در انتخاب یا برابری فرصت‌ها. ارزش‌های رهایی‌بخش معطوف به یک احساس اساسی برابری انسانی است که یک فرم جهانی نوع‌دوستی را ممکن می‌کند. حس برابری نوعی اعتماد تعمیم‌یافته را در بین مردم ایجاد می‌کند و مرزهای گروه را از بین می‌برد. این ارزش‌ها «روح اجتماع‌گرایی» را در فلسفه اجتماعی منعکس می‌کنند که به نوعی مسئولیت‌پذیری اجتماعی از فردگرایی اشاره دارد؛ یعنی تأکید مرکب بر استقلال فردی و همبستگی با دیگران و بنابراین، اساساً رواج ارزش‌های رهایی‌بخش بر رشد اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد به غریبه‌ها مؤثر است (آلماکاو و همکاران، ۲۰۱۸).

از منظر رهایی‌بخشی، افراد با فرصت‌های ایجادشده، جهت‌گیری‌های صلح‌آمیزتر، زنانه‌تر و انسان‌گرایانه‌تری در پیش می‌گیرند که سبب فراهم‌آمدن بنیان توده‌ای فزاینده‌ای برای صلح می‌شوند. هم‌زمان با صعود از ابزار آزادی‌ها، سودمندی اجبار تقلیل می‌یابد که این امر ستون اصلی هنجارهای سنتی بقاء، یعنی تمایل مردم به جنگ را فرسایش می‌دهد. در واقع، فرهنگ رهایی‌بخش یک نیروی صلح‌طلبانه است که بنیان توده‌ای فزاینده را برای صلح پرورش می‌دهد (اینگلهارت و همکاران، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، ارزش‌های رهایی‌بخش بر آزادی انتخاب برای همگان تأکید دارند و حاملان آن را به تأکید بر برابری فرصت‌ها و عدالت اجتماعی هدایت می‌کند. همین مؤلفه برابری‌طلبانه این ارزش‌ها محرکی کاملاً ضد تبعیض دارد که در راستای درونی‌سازی عمیق‌تر هنجارهای بی‌طرفی و عدم تعصب عمل می‌کنند (۲۰۱۳: ۱۹۵-۲۱۰) و برابری جنسیتی را نسبت به پدرسالاری، خودمختاری نسبت به اقتدار، مدارا نسبت به متابعت (همنوایی) و مشارکت نسبت به امنیت در اولویت قرار می‌دهند (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۱۰).

۳. روش و معرفی شاخص‌ها

در این بخش به دو مسئله پرداخته می‌شود: اول ایجاد شاخص براساس مبانی نظری موجود و دوم بررسی این شاخص فرهنگی تضاد در عرصه تجربی. به عبارت دیگر، علاوه بر تأکید بر آیتم‌های فرهنگی مؤثر و معطوف به تضاد، کارایی آن در عرصه عمل و در برابر کنشگری علیه دیگری‌ها نیز سنجیده می‌شود. بدین‌منظور ابتدا شاخص پیشنهادی مبتنی بر مبانی تئوریک مفهوم‌سازی و در مرحله بعد با استفاده از داده‌های ارزشی سطح ملی جوامعی که داده‌های آن‌ها در دسترس هستند و تحلیل عاملی تأییدی، انسجام آن بررسی می‌شود. درنهایت، در یک تحقیق طولی نظام‌مند و در دو مرحله، میزان اثرگذاری آن بر تضادها و تبعیض‌ها بررسی خواهد شد. برای بررسی روابط علی، متغیرها نه به شکل هم‌زمان، بلکه به‌ترتیب در فواصل زمانی منظم پنج‌ساله وارد مدار تحلیل می‌شوند. این رعایت فاصله زمانی، اثر روند فرهنگی و ارزشی-نگرشی بر بروز تضادها را قابل‌اطمینان‌تر می‌کند. به‌علاوه برای کسب اطمینان از صحت نتایج، تحقیق طولی در دو مقطع به فاصله پنج سال انجام شده است و جوامع حاضر در دو دوره نیز لزوماً یکسان نیستند. از این جهت، داده‌های شواهد فرهنگی از پیمایش سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ برای دور اول و سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۴ برای مرحله دوم تحقیق مبنا قرار گرفته است. همچنین همه تضادهای قومی/مذهبی در دو فاصله زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ گردآوری شده است. درنهایت، با تجمیع هر دو دوره باز هم نتایج آزمون می‌شوند و بنابراین جوامع زیادی دو بار و با داده متفاوت در روند تجمیعی حاضر می‌شوند. در این مرحله، سطح تحلیل کشور-زمان خواهد بود. در ادامه به معرفی شاخص‌ها می‌پردازیم.

الف) شاخص فرهنگی تضاد

براساس نظریات و مطالعات تجربی عواملی که رواج یا عدم رواج آن‌ها می‌تواند پیامدهایی از جنس صلح پایدار یا تضاد قومی/مذهبی ایجاد کنند، در چهار شاخص دربرگیرندگی^۱، مردانگی^۲، عدم تساهل^۳ و مردم برگزیده^۴ نهفته هستند. ترکیب این چهار شاخص با یکدیگر، می‌تواند موجب تضاد باشد.

شاخص دربرگیرندگی: این شاخص بر میزان رها بودن فرد از اعمال قدرت خارجی از هر نوع آن و میزان توانایی مستقلانه فرد در تصمیم‌گیری تأکید می‌کند. این شاخص در برابر خودمختاری فردی قرار می‌گیرد که بر توانمندی فرد در عدم اطاعت و مطابقت با اقتدار تأکید دارد (ولزل، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴). شوارتز (۲۰۱۰، ۲۰۱۲) دربرگیرندگی را ویژگی فرهنگی می‌داند که در آن، افراد بر تعلق خود به درون گروه‌های نزدیک تأکید می‌کنند.

شاخص مردانگی: این شاخص در برابر «برابری جنسیتی» قرار دارد. مطالعات قبلی در حوزه فرهنگ (فلاناگان و لی، ۲۰۰۳ الف؛ گالتونگ، ۱۹۹۶؛ اینگلهارت و ولزل، ۲۰۱۰؛ راس، ۱۹۸۶) نشان دادند نگرش‌های درونی‌شده و فرهنگ‌های متمایل به نابرابری جنسیتی در تحریک به تضاد نقش دارند. فرهنگ‌های مردسالار تمایل بیشتری به حل تضاد از طریق اعمال قدرت دارند و برعکس، فرهنگ‌های مبتنی بر برابری جنسیتی و آن دسته که به باور به حضور زنان دارند، بیشتر متمایل به حل آن‌ها از طریق مذاکره و گفت‌وگو هستند.

عدم تساهل: تساهل ابراز احترام و عزت به دیگری‌هایی است که با اعمال یا ارزش‌های آن‌ها توافقی وجود ندارد و از این‌رو لازمه ارتباطات میان‌گروهی است (احمدی و همکاران، ۱۴۰۰). تساهل پذیرش الزام برابری انسان‌ها، شأن انسانی و پلی است میان اکثریت‌ها و اقلیت‌ها که انسجام اجتماعی از طریق آن میسر می‌شود (دل‌لانو، ۲۰۱۷). از این‌رو هرچه فرهنگ‌ها در برابر دیگری‌ها مداراجویانه‌تر باشد، انتظار می‌رود احتمال ایجاد تضاد کمتر شود و افراد براساس دسته‌بندی و مقولات غیرمنفعتی نظیر قوم و مذهب کمتر وارد جدال شوند.

شاخص مردم برگزیده: صاحب‌نظران از وبر تا گالتونگ، احساس برگزیدگی و احساس تمایز و منحصربه‌فردی اجتماعات و جوامع را در حفظ فاصله، پرخاشگری و تضاد با دیگری مؤثر دانسته‌اند. آنتونی اسمیت (۱۹۹۲؛ ۲۰۰۳؛ ۲۰۱۵) احساس برگزیدگی را که حس منحصربه‌فرد بودن به اعضای اجتماع‌های قومی می‌بخشد، عامل تداوم و ماندگاری فرهنگی آن‌ها و درک تضادهای قومی می‌داند. با ورود توده‌ها به سیاست و ظهور رهبران سکولار و کاریزماتیک، ملت تجلیل می‌شوند و قهرمانان میهن‌پرستی ظهور می‌کنند که در راه این ماهیت و هویت جدید قربانی می‌شوند و مورد تجلیل قرار می‌گیرند (اسمیت، ۲۰۰۳: ۲۲۳-۲۵۳). بدین ترتیب از یک سو، وظیفه مقدس میهن‌پرستی بازایی آزادی ازدست‌رفته یا شکوه و عظمت پیشین است و از سوی دیگر، بنا به علل اجتماعی-اقتصادی با تولید اضطراب در گروه‌ها، امکانی برای جنبش‌های خالص‌سازی فراهم می‌کند که می‌تواند به‌عنوان توجیهی برای تبعیض قومی، نژادی و مذهبی، تفکیک، سرکوب، اخراج و درنهایت نسل‌کشی استفاده شود (۲۰۱۵).

1. Embeddedness
2. Masculinity
3. Partiality
4. Chosen People

ب) تضاد قومی/مذهبی

کنشگری قومی/مذهبی یا تضاد شامل دو بعد اصلی درگیری بین‌گروهی و تبعیض و بعد پنهان میزان تداوم است. افزودن بعد تبعیض با توجه به هدف خاص و سؤال مبنایی این پژوهش یعنی چرایی روی دادن تضادهای قومی/مذهبی بوده است. ماهیت این سؤال، آن را از پژوهش‌هایی که علل شورش گروه‌های قومی و مذهبی را بررسی می‌کنند، متمایز می‌کند. تبعیض در روی دادن شورش‌ها مؤثر عمل می‌کند. اما آن‌ها دو روی یک سکه هستند و اعمال تبعیض نیز خود بخشی از تضاد قومی-مذهبی و کنشگری در این عرصه است؛ با این تفاوت که به بیان گالتونگ، بازی برندگان است در مقابل اعتراض و شورش که کنش خاص بازندگان است. تاتو ون هانن (۲۰۱۲: ۳۸-۴۱) نیز بر آن است که تا تبعیضی وجود نداشته باشد، شورش روی نخواهد داد و به این ترتیب تبعیض و نیز نابرابری‌های قومی در نهادهای دولتی را در شاخص تضاد قومی قرار می‌دهد و نه علت آن؛ بنابراین به تبعیت از گالتونگ و ون هانن، بعد اعمال تبعیض نیز به متغیر وابسته افزوده می‌شود. نحوهٔ سنجش و داده‌های مربوط به این دو بعد که ذیل عنوان تضاد تجمیع می‌شوند، بدین قرار است:

درگیری (منازعه): منبع اصلی این داده‌ها موسسهٔ تحقیقات درگیری بین‌المللی هایدلبرگ (۲۰۲۱) است. جدال‌هایی در اینجا لحاظ شده‌اند که حداقل یک طرف آن کنشگر قومی یا مذهبی باشد و هم تضاد بین دولت و گروه قومی یا مذهبی و هم تضاد بین خود گروه‌ها را نیز شامل می‌شوند. برای کسب اطمینان از صبغهٔ قومی-مذهبی تضادها، اطلاعات هریک از گروه‌های درگیر علاوه بر اطلاعات خود هایدلبرگ با دیتابیس «کیسینگ»^۱ و «اقلیت‌های در خطر»^۲ و در موارد معدودی رسانه‌ها تطبیق داده شده است. هایدلبرگ درگیری‌ها را براساس شدت منازعه (ابزارها شامل سلاح و تعداد افراد درگیر و پیامدها) در پنج دسته از صفر تا یک قرار می‌دهد. اما مسئلهٔ دیگری که در این بعد تضاد به‌شدت مهم است، مسئلهٔ تاب‌آوری این جدال‌ها است و باید به شاخص افزوده شود. در بعد تضاد، میزان تاب‌آوری یا دوام درگیری‌ها حاکی از جدی بودن یا حاد بودن تضاد در جامعه است. برای پوشش میزان پایداری جدال در جامعه، پایش آن‌ها در یک بازهٔ زمانی پنج‌ساله انجام شده است تا نمرات درگیری‌های پایدار به شکل تجمیعی افزایش یابد. داده‌های جدال‌های قومی/مذهبی همهٔ جوامع در دو بازهٔ ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ و از ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ گردآوری شده‌اند؛ بنابراین حداکثر نمرات در دورهٔ پنج‌ساله برای هر تضاد، ۲۵ و حداقل ۱ خواهد بود.

تبعیض

داده‌های تبعیض از انجمن آرشیو داده‌های مذهبی (۲۰۱۷) امکانی برای پایش بعد تبعیض در واحدهای ملی تا سال ۲۰۱۴ با جمعیت بالاتر از ۲۵۰,۰۰۰ را فراهم می‌آورد. در بعد تبعیض فقط بر مقولاتی تأکید می‌شود که ریشه در نگاه تبعیض‌آمیز به اقلیت‌ها دارد و به‌طور خاص، سیاست‌ها و رویه‌های ناظر به اقلیت‌ها گزارش می‌شوند. شایان ذکر است داده‌های موجود نوع مذهبی را گزارش می‌کنند و اقلیت‌های قومی با مذهب یکسان را پوشش نمی‌دهند. اعمال تبعیض براساس شدت محدودیت‌های تحمیلی پایش می‌شود و از صفر تا چهار را دربرمی‌گیرد و در نهایت در بازهٔ صفر و یک برای دوره‌های پنج‌ساله نرمال شده‌اند.

پ) تقسیمات قومی-مذهبی

قاعدتاً جوامع همگون‌تر تعداد و شدت کمتری از تضادهای قومی را تجربه می‌کنند و برعکس، جوامع ناهمگون پتانسیل بیشتری برای تعداد هرچه بیشتری از این نوع تضادها در صورت فراهم بودن شرایط دارند. از همین‌رو نمرات انباشتی تضاد لازم است با توجه به

1. Keesing's Record of World Events: http://www.keesings.com/index_new.php

2. Minority at Risk: MAR project: http://www.mar.umd.edu/mar_data.asp

سطح تنوع جوامع تعدیل شود. در اینجا از «شاخص فرهنگی» فیرون (۲۰۰۳) بهره برده شده است که در آن فاصله فرهنگی گروه‌ها از یکدیگر و قرابت‌های فرهنگی بر مبنای شاخه‌های زبانی گروه‌ها در آن اعمال شده است. به این ترتیب گروه‌های قومی دارای ریشه‌ها و سرشاخه‌های مشترک زبانی نمرات تنوع یا تقسیم قومی کمتری می‌گیرند. در نهایت فیرون کشورها را با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده خود کشورها براساس میزان تنوع و تفکیک قومی از صفر تا یک رتبه‌بندی و نمره‌دهی می‌کند که صفر نشان‌دهنده کمترین تنوع و یک بیشترین تنوع است.

۴. یافته‌ها

منبع اصلی داده‌های ارزشی و نگرش انجمن پیمایش جهانی ارزش‌ها (۲۰۲۲) به‌علاوه پیمایش ارزش‌های اروپایی (۲۰۲۱) است که اخیراً موج جدید پیمایش با گویه‌های یکسانی ارائه داده‌اند. تداوم چندین دهه‌ای این پیمایش‌ها امکان بزرگی برای بررسی تغییرات فرهنگی پدید آورده که تا پیش از این ممکن نبود. با در نظر گرفتن زمان‌بندی مطالعه طولی، برای دور اول تحقیق، موج پنجم پیمایش (۲۰۰۵-۲۰۰۹) و برای مرحله دوم تحقیق موج ششم پیمایش (۲۰۱۰-۲۰۱۴) مینا قرار گرفته است، اما بعضاً کشورهایی وجود دارند که از موج قبلی (چهارم) برای مرحله اول تحقیق و موج بعدی (هفتم) برای مرحله دوم تحقیق استفاده شده است. به‌جز جوامع کوچک آندورا، هنگ‌کنگ، ماکائو و مالدیو که مناطق کم‌جمعیت یا غیرمستقلی هستند، همه کشورهای جهان حاضر در امواج مختلف پیمایش در دایره نمونه قرار گرفته‌اند.

برای ساخت مدل از نمرات تجمیع شده یا همان میانگین‌های کشوری استفاده شده است. از آنجا که مقادیر گویه‌ها متفاوت هستند، در مطالعات فرهنگی معمولاً نمرات پس از استاندارد شدن^۱ در محاسبات قرار می‌گیرند. در اینجا از این کار صرف‌نظر شده و گویه‌ها همگی در بازه صفر و یک نرمال شده‌اند. به این ترتیب که همه گویه‌ها کدگذاری مجدد شده و مقادیر جدید وارد محاسبات شده‌اند. این کار امکان مقایسه میانگین‌های کشوری را فراهم می‌کند و نمره هیچ کشوری در گویه‌ها نیز منفی نمی‌شود. برای کدگذاری مجدد بدین ترتیب عمل شده است که گویه‌های با پاسخ‌های یک تا سه تبدیل به نمرات ۰، ۰/۵ و ۱ می‌شوند؛ پاسخ‌های یک تا چهار تبدیل به نمرات ۰، ۰/۳۳، ۰/۶۶ و ۱ می‌شوند؛ پاسخ‌های یک تا پنج تبدیل به نمرات ۰، ۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵ و ۱ می‌شوند و برای پاسخ‌های یک تا ده نمرات ۰، ۰/۱۱، ۰/۲۲، ۰/۳۳، ... و ۱ جایگزین می‌شوند.

در نهایت، مدل ارزش‌های فرهنگی معطوف به تضاد متشکل از چهار شاخص فوق و با استفاده از میانگین‌های آماری، همه جوامع حاضر در پیمایش و با اعمال پالایش‌ها با بهره‌گیری از تحلیل‌عاملی ایجاد شد. دو جدول بعدی بارهای عاملی و مقادیر مشترک هریک از گویه‌های شاخص‌ها به همراه معیارهای دیگر برای هر دو دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد.

جدول ۱. مدل و شاخص‌های مرتبط با فرهنگ تضاد در دور اول تحلیل

شاخص	متغیرها	بار عاملی	مقدار مشترک ^۱	معیار کیزر-مایر ^۲	درصد مقدار ویژه ^۳
درب‌گیرندگی درون‌گروهی	رد استقلال فردی	۰/۷۹	۰/۶۳	۰/۶۷	۶۲/۶۰
	رد تخیل	۰/۸۰	۰/۶۳		
	رد عزم و پایداری	۰/۷۹	۰/۶۲		
احساس برگزیدگی	احساس غرور ملی	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۵۸	۷۳/۲۰
	اهمیت مذهب	۰/۹۴	۰/۸۸		
	مذهبی‌بودن	۰/۸۳	۰/۷۰		
مردانگی	حق بیشتر مردان نسبت به زنان برای کسب شغل	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۷۲	۸۶/۵۰
	بهبودن رهبری مردان در حوزه سیاست	۰/۹۶	۰/۹۲		
	مهم‌تر بودن دانشگاه برای پسران نسبت به دختران	۰/۹۰	۰/۸۱		
عدم تساهل	عدم تحمل دگرباشان	۰/۹۲	۰/۸۴	۰/۷۵	۸۷/۵۰
	عدم تحمل سقط‌جنین	۰/۹۴	۰/۸۸		
	عدم تحمل طلاق	۰/۹۵	۰/۹۰		
شاخص فرهنگی تضاد	درب‌گیرندگی درون‌گروهی	۰/۷۲	۰/۵۱	۰/۷۰	۶۳/۵۰
	احساس برگزیدگی	۰/۸۰	۰/۶۳		
	مردانگی	۰/۷۸	۰/۶۱		
	عدم تساهل	۰/۸۹	۰/۷۸		
تعداد	۸۱				

توضیح: مدل با استفاده از میانگین‌های کشوری ۸۲ جامعه در پیمایش‌های دوره پنجم پیمایش جهانی ارزش‌ها (۲۰۰۵-۲۰۰۹) و در مواردی پیش از آن است. همه نمرات سطح کشوری پس از نرمال‌سازی وارد مدل شده‌اند.

جدول ۲. مدل و شاخص‌های مرتبط با فرهنگ تضاد در دور دوم تحلیل

شاخص	متغیرها	بار عاملی	مقدار مشترک	معیار کیزر-مایر	درصد مقدار ویژه
درب‌گیرندگی درون‌گروهی	رد استقلال فردی	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۶۴	۵۸/۷۰
	رد تخیل	۰/۸۱	۰/۶۵		
	رد عزم و پایداری	۰/۷۸	۰/۶۱		
احساس برگزیدگی	احساس غرور ملی	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۶۲	۷۵/۶۰
	اهمیت مذهب	۰/۹۴	۰/۸۸		
	مذهبی‌بودن	۰/۸۷	۰/۷۶		
مردانگی	حق بیشتر مردان نسبت به زنان برای کسب شغل	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۸۱	۹۰
	بهبودن رهبری مردان در حوزه سیاست	۰/۹۶	۰/۹۲		
	مهم‌تر بودن دانشگاه برای پسران نسبت به دختران	۰/۹۰	۰/۸۰		
	بهبودن مدیریت اجرایی مردان در حوزه تجارت	۰/۹۸	۰/۹۶		

1. Communality
2. KMO
3. Eigenvalue

شاخص	متغیرها	بار عاملی	مقدار مشترک	معیار کیزر-مایر	درصد مقدار ویژه
عدم تساهل	عدم تحمل دگرباشان	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۷۸	۹۱/۶۵
	عدم تحمل سقط جنین	۰/۹۶	۰/۹۲		
	عدم تحمل طلاق	۰/۹۶	۰/۹۳		
شاخص فرهنگی تضاد	دربریگری درون گروهی	۰/۶۲	۰/۳۹	۰/۷۰	۰/۶۸
	احساس بزرگی	۰/۸۴	۰/۷۶		
	مردانگی	۰/۹۳	۰/۷۱		
	عدم تساهل	۰/۸۷	۰/۸۷		
تعداد	۹۳				

توضیح: مدل با استفاده از میانگین‌های کشوری ۹۳ جامعه در پیمایش‌های دوره ششم و هفتم پیمایش جهانی ارزش‌ها (۲۰۱۰-۲۰۱۷) و در مواردی پیمایش ارزش‌های اروپایی است. همه نمرات سطح کشوری پس از نرمال‌سازی وارد مدل شده‌اند.

مطابق فرض تئوریک، انسان‌ها و جوامع تحت شرایط خاص مجهز به ارزش‌ها و نگرش‌هایی می‌شوند که آن‌ها را به سمت تضاد با دیگری می‌راند. در اینجا این فرضیه با شاخص تضاد توسعه داده شده به بوتۀ آزمایش گذاشته می‌شود. اینکه آیا فرهنگ تضاد بر بروز کنش‌های جمعی خصم‌آمیز علیه دیگری شامل تضاد بین گروهی، تضاد بین دولت و گروه و تبعیض بر علیه دیگری مؤثر است یا خیر.

جدول ۳. اثر رگرسیونی فرهنگ بر جدال قومی/مذهبی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	t	معنی داری Sig.	مقدار F	سطح معنی داری مدل
	B	انحراف معیار					
ثابت	۰/۰۳۸	۰/۰۰۶	Beta	۶/۳۰	۰/۰۰	۱۱/۴۵	۰/۰۰۱
فرهنگ تضاد (دور اول)	۰/۰۲۰	۰/۰۰۶	۰/۳۶	۳/۳۸	۰/۰۰۱		
ثابت	۰/۰۵	۰/۰۰۶		۷/۲۶	۰/۰۰۰	۱۰/۳۶	۰/۰۰۲
فرهنگ تضاد (دور دوم)	۰/۰۲۰	۰/۰۰۶	۰/۳۲	۳/۲۲	۰/۰۰۲		

جدول‌های ۴ و ۵، تأثیر شاخص فرهنگی تضاد بر بروز درگیری و اعمال تبعیض در جوامع را بر هر دو دوره مورد بررسی گزارش می‌کنند. در هر دو دوره، نتایج حاکی از اثر مثبت و معنی‌دار فرهنگ تضاد بر متغیر وابسته یعنی درگیری‌های قومی/مذهبی و تبعیض است. تعداد جوامع بررسی شده در دور اول هشتاد و در دور دوم نودوسه بوده است.

جدول ۴. اثر رگرسیونی فرهنگ بر تبعیض دولتی

مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	t	معنی داری Sig.	مقدار F	سطح معنی داری مدل
	B	انحراف معیار					
ثابت	۰/۱۰	۰/۰۱۲		۸/۶۰	۰/۰۰۰	۸/۴۰	۰/۰۰۵
فرهنگ تضاد (دور اول)	۰/۰۳۵	۰/۰۱۲	۰/۳۱	۲/۹۰	۰/۰۰۵		
ثابت	۰/۱۲	۰/۰۱۰		۱۱/۶۴	۰/۰۰۰	۱۷	۰/۰۰۰
فرهنگ تضاد (دور دوم)	۰/۰۴۲	۰/۰۱۰	۰/۴۰	۴/۱۲	۰/۰۰۰		

همان‌طور که در بخش‌های پیشین آمد، هدف اصلی پژوهش‌های حوزه قومی/مذهبی باید تبیین چرایی بروز این دست‌کنش‌های جمعی انسانی علیه دیگری‌ها باشد. این کنش‌ها در هر دو بعد درگیری و تبعیض نیز امکان بروز دارند. ادبیات موجود حوزه قومی-مذهبی به‌استثنای ون‌هانن (۱۹۹۹ب؛ ۲۰۱۲) تبعیض‌ها را عامل برانگیختن تضاد و شورش می‌داند و کمتر علاقه‌ای به ورود به حوزه تبیین چرایی یا خاستگاه کنش‌های خصم‌آمیز قومی/مذهبی فارغ از کنشی یا واکنشی بودن آن داشته است. اما پژوهش حاضر تضاد و تبعیض را دو روی یک سکه یعنی کنشگری علیه دیگری بر مبنای قوم/مذهب در نظر گرفته است. از این‌رو شاخص اصلی عملیاتی تضاد ترکیبی از هر دو این ابعاد است. در این سنجش در دوره اول هشتاد کشور و در دوره دوم نود و سه کشور در تحقیق حضور دارند.

(۱) دوره اول تحقیق

جدول ۵. اثر رگرسیونی عامل فرهنگی بر تضاد (جدال تعدیل‌شده و تبعیض)

سطح معنی‌داری مدل	مقدار F	معنی‌داری Sig.	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
				ضرایب استاندارد شده Beta	انحراف معیار B	
.۰۰۰	۱۳/۸۷	.۰۰۰	۹/۵۶		.۰۰۷	ثابت
		.۰۰۰	۳/۷۲	۰/۳۹	.۰۰۷	فرهنگ تضاد (دور اول)
.۰۰۰	۲۲/۰۰	.۰۰۰	۱۲/۳۸		.۰۰۷	ثابت
		.۰۰۰	۴/۷	۰/۴۴	.۰۰۷	فرهنگ تضاد (دور دوم)

نتایج آزمون کای اسکوتر مهالانویس و کوک وجود مورد دورافتاده‌ای را نشان نمی‌دهند. تنها مورد مشکوک در آزمون مهالانویس کشور سوئد با احتمال ۰/۰۰۷۶ است که از مقدار حداقلی ۰/۰۰۰۱ فاصله دارد و نمی‌توان آن را از تحلیل خارج کرد. اما مورد چین در فاصله سه برابر انحراف میانگین قرار دارد که با حذف آن مقدار ضریب رگرسیون استاندارد به اندازه ۰/۰۳ بالا می‌رود (۰/۴۲۰).

برای دور دوم هم نتایج آزمون کای اسکوتر مهالانویس و کوک وجود مورد دورافتاده‌ای را نشان نمی‌دهند. مورد سوئد در آزمون مهالانویس باز هم کمترین احتمال (۰/۰۲۲۸) را نشان می‌دهد که از مقدار حداقلی (۰/۰۰۰۱) فاصله دارد و نمی‌توان آن را از تحلیل خارج کرد. اما باز هم مورد چین در فاصله سه برابر انحراف میانگین قرار دارد که با حذف آن مقدار ضریب رگرسیون استاندارد به اندازه ۰/۰۴ بالا می‌رود (۰/۴۸).

مطابق این نتایج، اثر عامل فرهنگی بر میزان تضادها و تبعیض‌های روی داده در جوامع در هر دو دوره معنی‌دار است؛ بنابراین نتایج در دور اول بررسی

$$Y = 0.39X \text{ یا فرهنگ تضاد } 0.39 = \text{تضاد و تبعیض}$$

و در دور دوم

$$Y = 0.44X \text{ یا فرهنگ تضاد } 0.44 = \text{تضاد و تبعیض}$$

با توجه به ضرایب β ، این نتایج حاکی از آن است که عامل فرهنگ تضاد یا ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با تضاد توانایی پیش‌بینی تضادها و تبعیض‌ها یا انواع کنشگری‌های مرتبط با تضاد را به شکل معنی‌داری دارد. هرچند مقادیر بتای استاندارد تقریباً کم

است، در هر دو دوره حتی یک نمونه دورافتاده وجود ندارد و کشورها متناسب با وضعیت فرهنگی، درگیر تضاد و تبعیض یا کنشگری قومی-مذهبی شده‌اند.

در نهایت و با حضور همه جوامع، دو مرحله تحلیل (۱۷۰ جامعه-زمان) تأثیر فرهنگ بر تضاد قومی/مذهبی بررسی شد که با نتایج زیر همراه است.

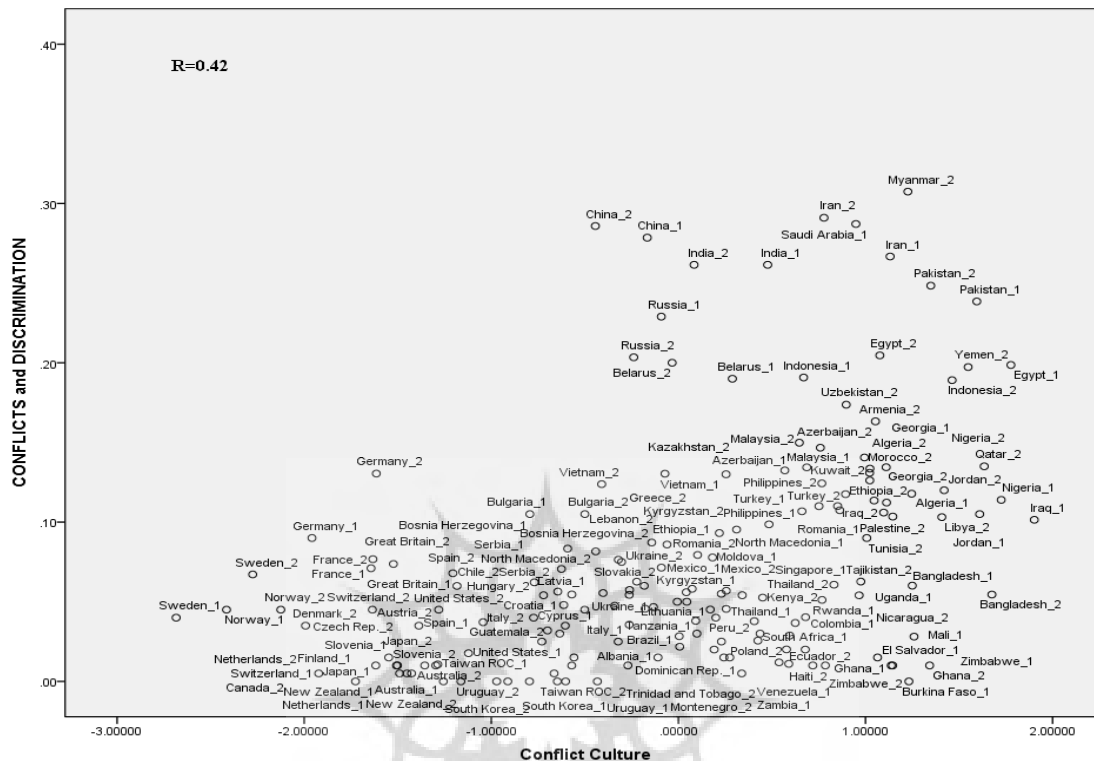
جدول ۶. اثر فرهنگ بر تضاد در تجمیع دو دوره

سطح معنی‌داری مدل	مقدار F	معنی‌داری Sig.	t	ضرایب استاندارد شده Beta	ضرایب غیراستاندارد		مدل
					انحراف معیار	B	
۰/۰۰۰	۳۵/۶۴	۰/۰۰۰	۱۵/۶		۰/۰۰۵	۰/۰۷۷	ثابت
		۰/۰۰۰	۵/۹۷	۰/۴۲	۰/۰۰۵	۴/۴۷	فرهنگ تضاد

$$Y=0.42X_1 \quad \text{یا} \quad \text{فرهنگ تضاد } ۰/۴۲ = \text{تضاد و تبعیض}$$

علی‌رغم آنکه نتایج احتمال کای اسکوتر مورد دورافتاده‌ای را نشان نمی‌دهد، آزمون موارد دورافتاده نشان می‌دهد میانگین چین در دوره تجمعی سه برابر انحراف از استاندارد است که با حذف آن، مقدار بتا به ۰/۴۵۷ می‌رسد. از آنجا که در تمام مراحل تحلیل محافظه‌کارانه‌ترین رویه‌ها اعمال شده است، چین از تحلیل خارج نمی‌شود و به همان مقدار تبیین اکتفا می‌شود.

در نمودار ۱ نحوه پراکندگی کشورها در تضاد با توجه به وضعیت فرهنگی آن‌ها نمایش داده شده است. همان‌طور که مشخص است، سمت چپ بالای نمودار خالی است. این وضعیت حاکی از آن است که هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که فرهنگ تضاد کمی داشته باشد، اما تضاد و تبعیض زیادی را تجربه کند. به عبارت دیگر، ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با تضاد که جوامع را به سمت کنشگری قومی-مذهبی در انواع مختلف سوق می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز تضادها و فعل‌وانفعالات درون این کشورها دارد. سمت راست نمودار پرتراکم‌تر است که نشان می‌دهد کشورها با بالارفتن فرهنگ تضاد یا همان عامل اولیه و فاعلی تضاد، بیشتر به سمت کنش‌های جمعی و سیستماتیک مرتبط با قومیت و مذهب متمایل می‌شوند.



نمودار ۱. پراکندگی تضاد و تبعیض و فرهنگ جوامع در تجمیع دو دوره تحقیق

۵. بحث و نتیجه گیری

جریان غالب جامعه‌شناسی و نیز علوم سیاسی بیشتر بر نهادها و کنشگران نخبه برای تبیین تضادهای قومی متمرکز بوده است. از این منظر، نهادها یا نظام‌های تبعیض‌گر، نابرابری‌های اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی جوامع را به سمت تضاد و تخاصم می‌رانند و درنهایت، نخبگان منفعت‌جو به آن دامن می‌زنند و بدین ترتیب جامعه دستخوش ناآرامی و بی‌ثباتی می‌شود و دخالت‌های خارجی نیز به نوبه خود وضعیت را بغرنج‌تر می‌کند. این تبیین برای پاسخگویی به پرسش «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند»، مناسب‌ترین پاسخ‌ها را فراهم آورده است؛ بنابراین، درحالی که «احساس تبعیض» ممکن است برای کنش‌های شورشگران توجیهی مناسب باشد، اما برای نوع کنش تبعیض‌گران چیزی ارائه نمی‌دهد و انگار اعمال تبعیض کنشی قومی/مذهبی نیست. اینکه عملکرد تبعیض‌آمیز نهادها و اعمال تبعیض به مثابه کنشی جمعی مبتنی بر قوم و/یا مذهب از کجا ریشه می‌گیرد یا بی‌پاسخ مانده است یا آنکه پاسخ آن به حوزه روان‌شناسی ارجاع شده است. مهم‌تر آنکه به نقش توده‌ها یا کنشگران معمولی که بار اصلی تضادها و تخاصم‌ها بر دوش آن‌ها است، کمتر پرداخته شده و به نوعی حلقه مفقوده این تبیین است.

این تغییر سؤال، مجالی برای پرداختن به بنیادهای اساسی تضاد قومی/مذهبی فراهم آورد. از این دیدگاه، تضادهای قومی-مذهبی نه مولود شکاف‌های اسمی است و نه لزوماً با تصمیم و برنامه‌ریزی رهبران نظامی و غیرنظامی شروع می‌شوند و تداوم می‌یابند، بلکه ریشه‌های عمیق این تضادها را باید در نظام باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع جست‌وجو کرد که طی زمان نخبگان، نهادها و سازمان‌های متناسب با این نظام ارزشی را تولید و بازتولید می‌کنند. این به معنای فقدان تأثیر ساختارهای سیاسی-اقتصادی-اجتماعی

تبعیض‌آمیز، دخالت خارجی یا نقش رهبران در پیشبرد تضاد نیست، بلکه تأکید بر نقش توده‌ها یا شهروندان عادی است که بدون حضور پررنگ آن‌ها هیچ مسئله قومی/مذهبی امکان روی دادن یا تداوم ندارد. آن‌ها هستند که در نهایت تعیین می‌کنند که چگونه با هویتشان باید برخورد شود و هزینه‌ها و رنج را تا چه میزان می‌توان تحمل یا تحمیل کرد. آن‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند که آیا از احزاب سیاسی قوم‌گرا و مذهبی حمایت کنند یا خیر و اینکه رهبران دلخواهشان چه منافع و خطمشی‌ای را باید پیگیری کند. عوامل دیگر تنها متغیرهای جانبی هستند که این تمایلات توده‌ها را محدود یا توانمند می‌کنند؛ برای مثال، دخالت‌های خارجی فقط در تشدید بحران‌های از پیش موجود تأثیرگذار هستند و رهبران یا گروه‌های سیاسی نیز نمی‌توانند اجتماعی را که تمایلی به جنگ یا تخاصم‌ورزیدن علیه اجتماع دیگر ندارد بسیج کنند. جوامعی وجود دارند که با یک خبر مرگ از رسانه‌ها تضادها در آن آغاز یا تشدید می‌شود و در جریان این تضادها رهبران خاص خود را - اگر اساساً نیازی به آن‌ها باشد - پالایش می‌کنند. جوامعی نیز وجود دارند که صرف میلیاردها دلار در آن نمی‌تواند تضادی را آغاز کند و اساساً نظام فرهنگی اجازه مانور به رهبران متمایل به تضاد نمی‌دهد.

در این پژوهش، علاوه بر آنکه نگاه نظری-تجربی متفاوتی به مسئله قومی-مذهبی از دریچه یکی از انگیزش‌ها و محرک‌های کانونی رفتار بشری یعنی فرهنگ و ارزش‌ها افکنده شد، شاخصی عام بر مبنای نقاط مشترک این نظریات با داده‌هایی از دوره‌های متمادی پیمایش ارزش‌های جهانی و پالایش آماری آن‌ها ایجاد شد. سپس برای به‌آزمون گذاشتن آن نیز مطالعه‌ای طولی در دو مرحله طراحی شد. مدل‌های رگرسیونی از این ایده حمایت کردند که فرهنگ تضاد در جوامع بر بروز و ظهور انواع کنش‌های جمعی برخاسته از مبنایی قومی یا مذهبی اعم از تضاد و تبعیض مؤثر است. به عبارتی، در شرایط فرهنگ تضاد، یعنی جایی که انسان خودمختار نایاب است، تساهل اندک است، مردانگی و سلحشوری موج می‌زند و افتخار ایجاد می‌کند و هم‌زمان انتساب و وابستگی به ملیت و مذهب خاص احترام و افتخار می‌آورد، آمادگی بیشتری برای بروز اشکالی از تخاصمات قومی/مذهبی وجود دارد. این رابطه یک‌به‌یک نیست و نمی‌تواند باشد؛ چرا که با بروز اولین تضادها نقش عوامل دیگر (عملکرد نخبگان، دخالت خارجی و...) برجسته‌تر می‌شود و تضادها را شدیدتر می‌کند.

از همین دیدگاه فرهنگی به تضاد می‌توان درک کرد که چرا تحولات مرتبط با رفع تبعیض و تضاد به‌سادگی امکان‌پذیر نمی‌شود. نهادهای تبعیض‌گر و نیروهای نظامی و شبه‌نظامی با فرمان حذف نمی‌شوند. آن‌ها ریشه در جامعه دارند و از ارزش‌های بنیادی آن تغذیه می‌کنند. توقف آن‌ها منوط به تغییرات فرهنگی است که همگان از شهروندان عادی تا سیاستمداران، قانون‌گذاران و مجریان قانون، نخبگان سیاسی و رسانه‌ای را دربرمی‌گیرد و به تدریج حامیان صلح را به حاشیه می‌راند.

از همین‌رو است که مطابق استدلال گالتونگ بر ندگی و بازندگی در این تضادها بی‌معنا است و آن‌ها دو روی یک سکه چرخه خشونت هستند. همیشه این احتمال وجود دارد که جایگاه بازیگران عوض شود، اما فعالیت چرخه مستلزم کنش‌های جمعی خاصی علیه دیگری است که در قالب تبعیض در مقام برنده و شورش و مقاومت در جایگاه بازنده نمود می‌یابد. همیشه فرصت‌هایی برای بازندگان وجود خواهد داشت و حلقه خشونت و شرارت مرتباً همه آن‌ها را زیرورو می‌کند؛ بنابراین تضاد قومی و مذهبی برنده همیشه نخواهد داشت. فقط راه‌حل زیست مسالمت‌آمیز دارد که از رهگذر تحولات فرهنگی امکان وقوع دارد. سربازان، شبه‌نظامیان و جان‌فدایان هنگامی دست از مبارزه برمی‌دارند که پشت جبهه خالی شود و جامعه دست از حمایت از چنین تضادی بردارد و به‌جای برنده‌شدن، به سیاست‌های سازگارانه‌تر بیندیشد. چرخه خشونت فقط در چنین وضعیتی برای همیشه متوقف می‌شود و بندگی دوسویه و نفع همگانی به‌وجود می‌آید.

مأخذ مقاله: مستخرج از رسالهٔ دکتری نویسندهٔ اول با عنوان «تحلیل تطبیقی کیفی زمینه‌های ارزشی و اجتماعی خشونت‌های قومی»، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدی، یعقوب، احمدی، وکیل، گودرزی، سعید و عبدالملکی، پروانه (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی مدارا و ابعاد آن (مورد مطالعه: شهروندان هجده سال به بالای استان کرمانشاه). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. ۱۰ (۳)، ۳۷۹-۴۰۸.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2020.314662.1154>
- نش، کیت (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی‌شدن، سیاست و قدرت*. ترجمهٔ محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- Ahmadi, Y., Ahmadi, W., Gudarzi, S., & Abdolmaleki, P. (2021). Sociological Explanation of Tolerance and its Dimensions (Case Study: Citizens over 18 Years Old in Kermanshah Province). *Quarterly of Social Studies Research in Iran*, 10(3), 379-408. <https://doi.org/10.22059/jisr.2020.314662.1154> (In Persian)
- Alexander, J. C. (2006). *The meanings of social life: A cultural sociology*. Oxford University Press, USA.
- Almakaeva, A., Welzel, C., & Ponarin, E. (2018). Human empowerment and trust in strangers: The multilevel evidence. *Social Indicators Research*, 139(3), 923-962. <https://doi.org/10.1007/s11205-017-1724-z>
- Barometer, C. (2021). disputes non-violent crises violent crises limited wars wars, 29. *Heidelberg Institute for International Conflict Research*, Heidelberg.
- Brown, M. E. (2001). The Causes of Internal Conflict. In Michael Edward Brown, S. E. Miller, O. R. Cote, & S. M. Lynn-Jones (Eds.), *Nationalism and Ethnic Conflict*. The MIT Press.
- Davies, S., Pettersson, T., & Öberg, M. (2023). Organized violence 1989-2022, and the return of conflict between states. *Journal of Peace Research*, 60(4), 691-708. <https://doi.org/10.1177/002234332311851>
- De Rivera, J. (2004). Assessing the basis for a culture of peace in contemporary societies. *Journal of Peace Research*, 41(5), 531-548. <https://doi.org/10.1177/0022343304045974>
- del LLANO, C. H. (2017). Positive tolerance and solidarity. A paradigm change to counter the "Globalization of indifference." *Analele Universității de Vest Din Timișoara-Seria Drept*, 1, 15-24.
- Diamond, L. (1992). Economic development and democracy reconsidered. *American Behavioral Scientist*, 35(4-5), 450-499. <https://doi.org/10.1177/000276429203500407>
- Dixon, J. (2009). What causes civil wars? Integrating quantitative research findings. *International Studies Review*, 11(4), 707-735. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2486.2009.00892.x>
- EVS. (2021). *EVS Trend File 1981-2017. GESIS Data Archive, Cologne. ZA7503 Data file Version 2.0.0*. <https://doi.org/10.4232/1.13486>
- Fearon, J. D. (2003). Ethnic and cultural diversity by country. *Journal of Economic Growth*, 8(2), 195-222. <https://doi.org/10.1023/A:1024419522867>
- Flanagan, S. C., & Lee, A.-R. (2003). The new politics, culture wars, and the authoritarian-libertarian value change in advanced industrial democracies. *Comparative Political Studies*, 36(3), 235-270. <https://doi.org/10.1177/0010414002250664>
- Fox, J. (2017). *Religion and State Codebook: Round 3*.
- Galtung, J. (1969). Violence, peace, and peace research. *Journal of Peace Research*, 6(3), 167-191. <https://doi.org/10.1177/002234336900600301>
- Galtung, J. (1990). Cultural Violence. *Journal of Peace Research*, 27(3), 291-305. <https://doi.org/10.1177/0022343390027003005>
- Galtung, J. (1996). *Peace by peaceful means: Peace and conflict, development and civilization* (Vol. 14). Sage.
- Galtung, J. (2004). *Transcend and transform: An introduction to conflict work*. Pluto Press in association with Transcend.
- Galtung, J., & Fischer, D. (2013). *Johan Galtung, Pioneer of Peace Research*. Springer.
- Greener, P., & Ware, H. (2007). *The no-nonsense guide to conflict and peace*. <http://site.ebrary.com/id/10627445>
- Inglehart, R., Haerpfner, C., Moreno, A., Welzel, C., Kizilova, K., Diez-Medrano J., M. Lagos, P. Norris, E. P. & B.

- P. (Ed.). (2022). *World Values Survey: All Rounds – Country-Pooled Datafile Version 3.0*. <https://doi.org/10.14281/18241.17>
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge university press.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2009). How development leads to democracy: What we know about modernization. *Foreign Affairs*, 33–48. <http://www.jstor.org/stable/20699492>
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2010). Changing mass priorities: The link between modernization and democracy. *Perspectives on Politics*, 551–567. <https://doi.org/10.1017/S1537592710001258>
- Inglehart, R., Welzel, C., & Puranen, B. (2013). Reinventing the Kantean Peace: The Emerging Mass Basis of Global Security. *Higher School of Economics Research Paper No. WP BRP*, 28. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2373153>
- Lane, J.-E., & Ersson, S. (2016). *Culture and politics: a comparative approach*. Routledge.
- Lipset, S. M. (1994). The social requisites of democracy revisited: 1993 Presidential Address. *American Sociological Review*, 59(1), 1–22. <https://doi.org/10.2307/2096130>
- Mahoney, J. (2004). Revisiting general theory in historical sociology. *Social Forces*, 83(2), 459–489. <https://doi.org/10.1353/sof.2005.0018>
- Nash, K. (2012). *Contemporary political sociology: globalization, politics and power*. Translated by: M. T. Delforouz. Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Ross, M. H. (2007). *Cultural contestation in ethnic conflict*. Cambridge University Press.
- Ross, Marc Howard. (1986). A Cross-Cultural Theory of Political Conflict and Violence. *Political Psychology*, 7(3), 427. <https://doi.org/10.2307/3791250>
- Ruck, D. J., Matthews, L. J., Kyritsis, T., Atkinson, Q. D., & Bentley, R. A. (2020). The cultural foundations of modern democracies. *Nature Human Behaviour*, 4(3), 265–269. <https://doi.org/10.1038/s41562-019-0769-1>
- Schwartz, S. H. (2010). Basic values: How they motivate and inhibit prosocial behavior. *Prosocial Motives, Emotions, and Behavior: The Better Angels of Our Nature*, 221–241. <https://doi.org/10.1037/12061-012>
- Schwartz, S. H. (2012). An overview of the Schwartz theory of basic values. *Online Readings in Psychology and Culture*, 2(1), 919–2307. <https://doi.org/10.9707/2307-0919.1116>
- Shcherbak, A. (2012). Does Culture Matter? The Impact of Tolerance on Economic Modernization in a Comparative Perspective. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2009177>
- Smith, A. D. (1992). Chosen peoples: Why ethnic groups survive. *Ethnic and Racial Studies*, 15(3), 436–456. <https://doi.org/10.1080/01419870.1992.9993756>
- Smith, A. D. (2003). *Chosen peoples: [sacred sources of national identity]*. Oxford University Press.
- Smith, A. D. (2015). Chosen peoples. *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Race, Ethnicity, and Nationalism*, 1–4.
- UNDP. (2004). *Human development report 2004: Cultural liberty in today's diverse world* (Vol. 2004).
- United Nations. (1999). *Declaration on a Culture of Peace, A/RES/53/243 A*.
- Vanhanen, T. (1999). Ethnic conflicts explained by ethnic nepotism. *Research in Biopolitics*, 7, 1–392. <https://doi.org/10.1177/0022343399036001004>
- Vanhanen, T. (2012). *Ethnic conflicts*. Ulster Institute for Social Research.
- Veri, F., & Sass, J. (2022). The domestic democratic peace: How democracy constrains political violence. *International Political Science Review*. <https://doi.org/10.1177/01925121221092391>
- Welzel, C. (2012). Freedom rising: Human empowerment and the quest for emancipation. In *Freedom Rising: Human Empowerment and the Quest for Emancipation*. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139540919>
- Welzel, C. (2013). *Freedom rising human empowerment and the quest for emancipation*. Cambridge University Press.
- Welzel, C. (2014). Evolution, empowerment, and emancipation: How societies climb the freedom ladder. *World Development*, 64, 33–51. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.05.016>
- Welzel, C. (2020). A cultural theory of regimes. *Nature Human Behaviour*, 4(3), 231–232. <https://doi.org/10.1038/s41562-019-0790-4>
- Welzel, C., & Inglehart, R. (2010). Agency, values, and well-being: A human development model. *Social Indicators*

- Research*, 97(1), 43–63. <https://doi.org/10.1007/s11205-009-9557-z>
- Welzel, C., & Inglehart, R. (2019). Political Culture, Mass Beliefs, and Value Change. In *Democratization*. (2nd ed.). Oxford University Press.
- Wiarda, H. J. (2016). Political culture, political science, and identity politics: An uneasy alliance. In *Political Culture, Political Science, and Identity Politics: An Uneasy Alliance*. <https://doi.org/10.4324/9781315601168>

